

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

چشمک چرانی



حاجی ما ، دایماً ، چشمک چرانی میکنه
شصت و سه ساله شده یاد جوانی میکنه
گرچه با مردان نشسته هوش و فکرش بر زنان
ورد خوانده ، خوبرویان را نشانی میکنه
نوجوانان را بغل میگیره با ماچ و ملوچ
خوشگلان را بوسه های ناگهانی میکنه
گاهی چون مرغان تخمی میکنه قُد قُد قُتاس
چون بگیل بودنه ، نامهربانی میکنه
گوشه ای بنشسته با حاجی و خارنوال خود
ساجقی را می جوّه ، کج کج دهانی میکنه
خپ خپک داره نظر ، بر صحنه میدان رقص
شانسه هایش می پره ، کاغذ پرانی میکنه
پر ز میوه کرده بشقاب بزرگی ، بر دو دست
سوز داده می بره ، نامیزبانی میکنه

عکسِ زیبائی گرفتیم ، از جنابش ناگهان
تابه سایتِ انترنت ، پرتو فشانی میکند
تار خامِ چیلکش را چنگکِ ما کنده کرد
بی گره با مکر ، پیوندِ زبانی میکند
میگه من از صنفِ سه و چار ، کردم شاعری
روز و شب طبعم ز خوبان ، پشتیبانی میکند
دایماً ، نزدِ پولیس و سوسیال و داکتر
گلرخان را چشمِ شوخش ، ترجمانی میکند
حال ، بیکار است و پشتِ کار میگرده چنان
هرچه پیش آمد به شوق و ذوق ، آنی میکند
مرده شویی پیشه داره ، ختنه کردن آرزو
گر موفق گشت ، کارِ جاودانی میکند
گر شود پنچر غراضه موترش با خارِ عشق
شکر گفته هر طرف ، لولک دوانی میکند
انتقادی کرده بر ما ، تلخ و تند و بی نمک
با دروغِ شاخدارش ، دل کفانی میکند
گفتت ! در برنامه ای که ، خانواده نام او
آرزو دارد که با من ، پهلوانی میکند
ما که نامحرم شدیم از محرمیِ گلرخان
محرمِ کاذب ، خیالِ کامرانی میکند
چون زلیخا ، بس تجاوزگر شده بر عاجزان
یوسفِ طبع مرا ، دامن درانی میکند
همچو لیلی می فروشه ناز ، بر مجنون ها
کاروانِ نقدِ شانرا ، ساربانی میکند
از بُنِ هر نکته اش خارِ جفا و بغض و کین
نیشِ توهینی به دل ، هردم خلانی میکند
هتکِ حرمت کرده بی باکانه بهرِ انتقام
خوش ، دلِ دلداده ای ، مجنونِ ثانی میکند
خط زدم از دفترِ خاطر نشان و نامِ شان
تا عذرخواهی ازین ، بیچاره فانی میکند
نقد از حاجی و قاضی ، گرچه باشد نادرست
غولکِ تقدیرِ ما سنگدلِ پرانی میکند
« نعمت » از زهرِ زبانِ شیخ و ملا بر حذر
رنگِ زردِ شاعران را زعفرانی میکند